

## راهی برای رفتن | امدادگر جنگی که اسیر آل سعود شد



«راهی برای رفتن» نوشته مریم عرفانیان، قصه پرستاری است با نام بتول خورشاهی که با طاغوت مبارزه می‌کند و بعد از شهادت برادرش راهی جبهه‌های نبرد می‌شود. به‌عنوان یک امدادگر معتقد است نباید راه برادرش را زمین بگذارد و برای همین به عملیات خیبر در جزیره مجنون می‌رود. بعد از عملیات، در سال ۱۳۶۶ نیز به حج مشرف می‌شود و در پراخت از مشرکین توسط آل سعود اسیر می‌شود اما به‌صورت معجزه‌آسایی فرار می‌کند. اسارت و سپس فرار او از خواندنی‌ترین بخش‌های این کتاب است. اختصاص ۳ فصل مرتبط با دفاع مقدس و ۳ فصل مرتبط با اسارت و آزادی از بخش‌های کتاب است که آن را خواندنی‌تر می‌کند؛ خاطراتی که برای جذابیت بیشتر در قالب رمان به نگارش درآمده است.

## از چنده‌لا تا جنگ | دنیای ظریف زنانه در روزهای زمخت جنگ



«از چنده‌لا تا جنگ» خاطرات شمس سبحانی است به قلم گلستان جعفریان. کتاب خاطراتی است از ایثارگری زنانی که از کشور خود دفاع کردند. روایت‌های این امدادگر از دوران کودکی تا دوران آموزش امدادگری در بیمارستان و حضور در مناطق جنگی، راوی در جوانی، به جریان مبارزان انقلاب می‌پیوندد و پس از پیروزی انقلاب و آموزش دوره‌های امداد و نظامی و تبلیغاتی، وارد سپاه می‌شود. او در روزهای پرحادثه به کردستان اعزام می‌شود و در بیمارستان‌های سنندج و کرمانشاه و گروه‌های امداد مناطق پرخطر انجام وظیفه می‌کند. با آغاز جنگ تحمیلی هم به بیمارستان‌های اهواز و اندیمشک می‌رود و تا اواخر سال ۱۳۶۴ در مناطق جنگی جنوب نیروی داوطلب امداد رسانی می‌ماند. خاطرات شمس سبحانی از حضور در کردستان، مناطق جنگی جنوب، عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، والفجر، مقداتی و والفجر با تصویرسازی فضاهای زنانه خواندنی‌تر شده است.



سمیه عبداللهی، پرستار:

### حال خوب بیماران حال خوب ماست

بعد از مداوای بیماران، حال خوب کادر درمان قابل توصیف نیست. وقتی بیماری با حال خوب از آی‌سی‌یو یا بیمارستان مرخص می‌شود، برای کادر درمان لحظاتی خوشحال‌کننده است و بارها در جمع خودشان از این خاطرات شیرین یاد می‌کنند. سمیه عبداللهی یکی از همین پرستاران است که از خاطرات خوب دوران خدمتش تعریف می‌کند: «مثلاً وقتی کودکی شب تاصبح در بخش آی‌سی‌یو بستری شده و ممکن است ۷ تا ۸ بار دچار ایست قلبی شود، همه کادر درمان تلاش می‌کنند تا او به زندگی برگردد و وقتی حالش خوب می‌شود آنچنان لذتبخش است که وصف‌ناشدنی است. زمان شیوع کرونا و همان اوایل، خانم جوان بدحالی در بیمارستان بستری شده بود. همسرش پشت در اورژانس مانده و بسیار مضطرب و نگران بود. می‌گفت ما دو بچه کوچک داریم و تو را به خدا به همسرم کمک کنی تا حالش خوب شود. البته کادر درمان تمام تلاش‌شان را می‌کردند، اما این پدر بسیار مستاصل شده بود. واقعا حال همسرش بد بود. یادم هست همه کادر درمان تلاش کردند و آن خانم با حال بهتر و شرایط بهتری به بخش منتقل شد. آنقدر همه ما خوشحال بودیم که قابل توصیف نیست و به او می‌گفتم بیشتر مراقب باش و باید خدا را شکر کنی که به زندگی برگشتی. این لحظات قابل توصیف نیست و خاطرات خوشش همیشه باماست.»

کادر بهداشت و درمان در ایام خاص و مناسبت‌هایی همچون شب‌های قدر، تسوعا، عاشورا... در حالی که همه مردم در حال به جا آوردن مناسک و اعمال و مناجات هستند، مشغول رسیدگی به بیماران هستند. عبداللهی می‌گوید: «شاید خودمان و خانواده‌هایمان دچار گرفتاری باشیم یا مشکلاتی داشته باشیم، اما رسیدگی به بیماران در اولویت کار ما قرار دارد. به هر حال این موضوع جزو شرایط شغلی ماست، اما خوشحالی بیماران و احساس رضایتمندی آنها، همه‌خستگی‌ها را برای ما جبران می‌کند. خیلی سال پیش ساعت ۴ صبح پدری با بچه‌اش به بیمارستان آمدند. پسرش حدود ۱۲ ساله بود و علائم سرماخوردگی و کسالت جزئی داشت. معاینه و داروهای لازم برای او تجویز شد. هنگام خروج با خبر شدیم بیمار دچار ایست قلبی شده و وقتی بر سر بیمار رفتیم متوجه شدیم پدر این پسر است. در بیمارستان قلبی زمان طلایی خیلی مهم است و این پدر در همان اورژانس دچار حمله قلبی شده بود و بلافاصله تحت درمان قرار گرفت. دوران نقاهت خود را گذراند و از بیمارستان ترخیص شد و ماه بعد برای ویزیت به بیمارستان مراجعه کرد. به دلیل تعدد بیماران اغلب چهره آنها را به یاد نمی‌آوریم. هنگامی که خواستیم نوار قلب او را بگیریم، رد دستگاه شوک را روی سینه او دیدیم و وقتی پرسیدم، ماجرای ایست قلبی را تعریف کرد و او را به یاد آوردم. آن لحظه خیلی خوشحال شدم که سلامتی خود را به دست آورده و این توفیق را داشته‌ام که در نجات یک انسان کمک کنم. باور کنید خستگی آن شیفت از تنم بیرون رفت.»

رئیس نظام پرستاری تهران ۲۶ سال عاشقانه در مراکز درمانی مختلف حضور داشته است

## حرفه‌ام را با دنیا عوض نمی‌کنم!

شهره کیانوش راد  
روزنامه‌نگار

همه ما تاکنون حداقل تجربه یک‌بار حضور در بیمارستان را داشته‌ایم؛ گاهی به‌عنوان بیمار و گاهی هم به‌عنوان همراه بیمار. گاهی صبورانه منتظر نوبت شده‌ایم و گاهی هم خستگی، کلافگی و نگرانی‌های خود را بر سر پرستاران و کادر درمان خالی کرده‌ایم. اینیس ناوند، ۳۶ سال است که در مراکز درمانی کشور و در حوزه سلامت فعالیت می‌کند و هنوز هم شغل پرستاری برای او دوست‌داشتنی است. او چندی پیش به‌عنوان اولین بانوی رئیس نظام پرستاری تهران انتخاب شد. از رسیدگی به بیماران خردسال گرفته تا سالمندانی که طاقتشان کم شده و می‌خواهند هر چه زودتر از بیمارستان مرخص شوند و به خانه بروند. او یکی از پرستاران سخت‌کوش دوران کروناست و معتقد است تا کسی عاشق حرفه پرستاری نباشد نمی‌تواند این حرفه را ادامه دهد. با این حال معتقد است مشکلات اقتصادی سایه سنگینی بر سر این قشر زحمتکش انداخته است که فقط با همت مسئولان بر طرف خواهد شد.

### درآمدزایی و تعهد پزشکی!

من با این موضوع که پرستاران و پزشکان نباید نگاه مالی به شغل‌شان داشته باشند و کادر درمان نباید به فکر پول باشند مخالفم. به هر حال این آدم‌ها هم در شرایطی زندگی می‌کنند که همه جامعه زندگی می‌کنند و شرایط بد اقتصادی روی زندگی آنها هم تأثیر می‌گذارد. بنابراین آنها هم مشکلات مالی دارند و متأثر از شرایط سخت اجتماع هستند. برای من بزرگ‌ترین درد این است که پزشک و پرستار می‌روند کلینیک زیبایی دایر و آنجا فعالیت می‌کنند و فقط به فکر درآمدزایی هستند. مراجعان کلینیک زیبایی ساعت‌ها بدون اعتراض منتظر می‌نشینند و نه تنها از انتظار خسته نمی‌شوند بلکه دست پزشک و پرستار را هم می‌بوسند و احساس خوبی دارند چون قرار است زیباتر شوند. پول کلانی هم پرداخت می‌کنند و اما در مراکز درمانی موضوع فرق می‌کند. خب در چنین شرایطی برخی پزشکان ترجیح می‌دهند راه آسان‌تری برای کسب درآمد بیشتر انتخاب کنند که امیدوارم توأم با پابندی به تعهدات پزشکی‌شان باشد.



### خداوند به کادر درمان نگاه ویژه دارد

عشق و علاقه به حرفه‌ای که داریم بزرگ‌ترین انگیزه برای ادامه کار است. با وجود همه این درددل‌ها که گفتم، باید به شما بگویم که من به شخصه حرفه‌ام را با دنیا عوض نمی‌کنم. عاشق حرفه‌ام هستم. تمام خستگی‌ام در نهایت یک‌روز طاقت‌فرسا در می‌رود. یاد آن چهره‌های خندان و چهره‌های راضی بیماران می‌افتم، یاد آن کسی که عزیزی از دست داده ولی بازی می‌آید و از زحمات کادر درمان تشکر می‌کند. این حال خوب در قلب، روح و مغز جریان دارد و این یک انگیزه قوی برای ادامه راه است. من ۳۶ سال است مشغول کارم و بارها در پایان یک روز سخت با خودم گفتمام فردی روم در خواست بازنستسم‌ام را می‌نویسم ولی فردای آن روز سخت، وقتی خورشید طلوع می‌کند و صبح دوباره شروع می‌شود من دوباره آدم جدیدی می‌شوم. شاید اغراق کرده باشم اما به‌نظرم خداوند به کادر درمان نگاه ویژه داشته و آنها را انتخاب کرده است. ما از طرف خداوند انتخاب شده‌ایم و مأموریت داریم که آدمی که نیاز دارد در کمک کنیم تا نیازش مرتفع شود. ما کادر درمان خوشحالیم که این نعمت را داریم و شاکریم که این سعادت از طرف خداوند به ما دست داده که وسیله‌ای برای مرتفع کردن نیاز انسان باشیم.

خبر خوب این است که من هنوز هم در این شرایط بد اقتصادی می‌توانم آدرس‌هایی را به شما بدهم که آن انگیزه قوی حضور در بیمارستان را دارند. درست است بدنه کادر درمان به دلیل فشار کار و مشکلات اقتصادی نحیف و ضعیف شده، اما هستند کسانی که دارند به این بدنه خون تازه و قوی و پرسرلول تزریق می‌کنند تا این بدن نحیف و کم‌جان درمان کشور پا بگیرد. من هنوز هم پزشکی‌ام را می‌شناسم که کسانی که قادر به پرداخت هزینه نیستند را رایگان ویزیت می‌کنند. هنوز داریم پرستارانی که شیفت‌شان تمام می‌شود اما تا زمانی که بیمار هست و نیازش را مرتفع نکنند محال است شیفت را ترک کنند. کادر درمان تا زمانی که کار هست می‌مانند بدون اینکه به شیفت کاری و ساعت توجهی داشته باشند. متأسفانه مطالبات پرستاری نادیده‌انگاشته و یا بی‌اهمیت شده و اینهاست که انگیزه ما را می‌گیرد.

### سال‌های سخت کرونا

۳ سال سخت و دشوار را در بیمارستان میلاد گذراندم. همانطور که می‌دانید بیمارستان میلاد در پذیرش بیماران کرونایی پیشرو بود و البته عملکرد خوبی هم داشت؛ چون به نسبت سایر مراکز درمانی آمار مرگ‌ومیر کمی داشت و می‌توان گفت در زمینه درمان بیماران موفق عمل کرد. می‌توانم بگویم ۹۰ درصد کادر پرستاری به کرونا مبتلا شدند به‌خصوص اوایل کووید که هنوز ناآگاهی بود و راجع به این بیماری اطلاعات زیادی نداشتیم. همه پرستاران رنج دوری از خانواده را داشتند. خود پرستاری فی‌نفسه سختی کار دارد و در دوران کووید این دوران سخت‌تر شد. به دلیل پوشیدن لباس‌های خاص، لزوم رعایت موارد حفاظت فردی و... کادر درمانی این نگرانی را داشتند که ویروس را به خانواده‌هایشان منتقل نکنند.

### درس‌هایی که کرونا به دنبال داشت

دوران کرونا مقطعی از تاریخ است که درس‌های بزرگی برای همه انسان‌ها داشت و تغییراتی پایدار در احساسات، باورها، عقاید و ارزش‌های انسانی و اجتماعی و فرهنگی به جا گذاشت. ما روحیه ایثارگری را در اغلب کادر درمان می‌دیدیم که از جان خود می‌گذشتند و ساعت‌های بسیار در مراکز درمانی حضور داشتند. ولی متأسفانه تنها چیزی که فراموش شد، زحمات کادر درمان بود. وعده‌هایی داده شد که کادر درمان استخدام رسمی می‌شوند و متأسفانه این وعده تحقق پیدا نکرد. امیدوارم مسئولان وزارت بهداشت به قول و تعهدشان عمل کنند و این هدیه را به کادر درمان و به‌ویژه پرستاران بدهند که تغییر وضعیت شغلی پیدا کنند و استخدام شوند.